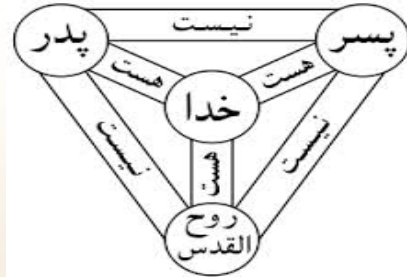


دروس مقدماتی کلیسای ۲۲۲ فنلو

"درس سوم"

خدای کتاب مقدس



شناخت خدا مشکل همیشگی انسان بوده است. انسان محدود با عقل و منطق محدود انسانی نمی تواند خدای نامحدود و خدای ورای عقل را درک کند. یکی از صفات بارز فارس زبانها این است که عاشق خدا هستند ولی وقتی از آنها سوال می شود که آیا خدا را می شناسید، می گویند مگر می شود که ما با عقل کوچک خود خدا را بشناسیم و بفهمیم. واقعیت این است که ما هرچقدر تلاش کنیم نمی توانیم خدا را بشناسیم، اما اگر خود خدا از ماهیت، ذات، صفات و شخصیت خود برای ما صحبت کند، ما قادر به یک شناخت کلی از وجود خدا خواهیم بود.

222CHURCH
VENLO

تلاش ما در این درس بر این است که ببینیم خدا خودش را در کتاب مقدس چگونه مکشوف می کند و هدف او چیست.

چرا ما باید خدا را بشناسیم؟

1. در ایرانیان یک ضرب المثل وجود دارد که می گوید: "اگر می خواهی کسی را بشناسی یا با او همسفر شو یا هم خرج". در واقع مفهوم این ضرب المثل این است که تا با کسی از نزدیک رابطه نداشته باشی، چگونه می توانی او را بشناسی؟ و اگر ما با خدا در کتاب مقدس همسفر نشویم چگونه می



توانیم ذات خدا را بشناسیم. در کتاب مقدس است که ما می فهمیم خدا از چه خشنود است و از چه ناخشنود. در کتاب مقدس خدا شخصیت خود را طوری برای انسانها باز می کند که برای ما قابل شناخت باشد. و وقتی ما خدا را می شناسیم طوری زندگی می کنیم که قلب خدا را نشکنیم.

2. خدا در کتاب مقدس از قلب خود که پر از نیکویی، سلامتی، شفا و آزادی است با ما صحبت می کند. و در نتیجه اگر ما این هدفهای عالی که خدا برای ما دارد بشناسیم، آن موقع با جرات بیشتری می توانیم به این خدا اعتماد کنیم و عنان زندگی خود را به چنین خدای نیکویی بسپاریم. خدایی که عاشق ماست. خدایی که ما را بدون قید و شرط دوست دارد.

ارمیا باب 31 آیه 3:

خداوند در ایام قدیم بر آنها ظاهر شده، فرمود: یا مهری ازلی به تو مهر ورزیدم؛ از این رو تو را به محبت جذب کرده ام.

خدایی که ما برای او همچون مردمک چشم با اهمیت هستیم.

زکریا باب 2 آیه 8:

زیرا خداوند لشکرها، که مرا پس از جلال نزد قومهایی که شما را غارت کردند فرستاده است، می گوید، هر که دست بر شما نهد، بر مردمک چشم او دست نهاده است.

خدا از فکرهای خود که برای سلامتی است صحبت می کند.

ارمیا باب 29 آیه 11:

زیرا فکرهایی را که برای شما دارم می دانم، که فکرهای سعادت‌مندی است و نه تیره بختی، تا به شما امید بخشم و آینده ای عطا کنم؛ این است فرموده ی خداوند.



ماهیت خدا از دیدگاه کتاب مقدس:

1. خدا یک شخصیت است

هنگامی که سخن از شخصیت به میان می آید، ذهن انسان بلافاصله متوجه جسم می شود و فکر می کند که شخصیت الزاماً در جسم وجود دارد. اما اینطور نیست و شخصیت ورای ماده است. آنچه در شخصیت مهم است ویژگیهای آن می باشد چه آن شخصیت مرتبط با جسم باشد (مانند انسان) و چه غیر جسم (مانند فرشتگان).

ویژگیهای یک شخصیت عبارتند از:

1. درک و تفکر

یک شخصیت همواره درکی از مسائل داشته و صاحب اندیشه و تفکر است.

اشعیا باب 55 آیه 8:

خداوند میفرماید: " افکار من افکار شما نیست، و نه راههای من، راههای شما."

2. احساسات و عواطف

یک شخصیت از احساسات و عواطف برخوردار است شخص شاد و غمگین می شود و احساسات دیگران را هم درک میکند.

پیدایش باب 6 آیه 6:

و خداوند از این که انسان را بر زمین ساخته بود، متأسف شد و در دل خود غمگین گشت.

3. اراده و تصمیم گیری

یک شخص صاحب اراده است تصمیم می گیرد و آن را به مرحله اجرا در می آورد.

پیدایش باب 2 آیه 18:

یهوه خدا فرمود: " نیکو نیست آدم تنها باشد, پس یآوری مناسب برای او می سازم. "

نکته: در خلقت خدا دو گروه دیگر وجود دارند که دارای شخصیت هستند: **1. انسانها** **2. فرشتگان**

2. خدا روح است

ایجاد هر گونه تصویری از خدا توسط انسان مخالف تعلیم کتاب مقدس است.

خروج باب 20 آیات 3 تا 5:

تو را خدایان دیگر جز من مباشد. هیچ تمثال تراشیده ای برای خود مساز, خواه به شکل هر آنچه بالا در آسمان باشد و یا پایین بر زمین و یا در آبهای زیر زمین. در برابر آنها سجده مکن و آنها را عبادت منما؛ زیرا من, یهوه خدای تو, خدایی غیورم که جزای تقصیرات پدران را به فرزندان و پشت سوم و چهارم آنان که مرا نفرت کنند می رسانم.

چرا که خدا هیچ شکلی ندارد و روح است.

یوحنا باب 4 آیه 24:

خدا روح است و پرستندگانش باید او را در روح و راستی بپرستند.

و روح نادیدنی و غیر قابل تجسم است و در یوحنا 1:18 آمده است که هیچکس خدا را ندیده است.

خدا روح است اما برای درک آن ابتدا باید فهمید روح چیست؟ و کیفیت آن به چه معنی است؟ توضیح

این موضوع چندان ساده نیست, اما کتاب مقدس به بخشی از این موضوع می پردازد.

خدا غیر قابل رویت و غیر مادی بوده و از اجزای مختلف تشکیل نشده است. خدا از ماده تشکیل نشده

است. مسیح در انجیل لوقا 39:24 فرموده روح بدن ندارد, اما می بینید که من دارم. روح برتر از

دنیای

مادی است, لذا محدودیتهای انسانی ندارد و هیچ یک از خصوصیات ماده را هم دارا نیست.

در اول تیموتائوس 17:1 **خدا نادیدنی و غیر فانی** خطاب شده است و در همین رساله باب 6



آیات ۱۵ تا ۱۶ گفته می شود که، خدا ساکن در نوری است، که کسی نمی تواند به آن نزدیک شود و هیچ

بشری او را ندیده و نخواهد دید. اما در موردی خدا انعکاسی از عظمت خود را نشان می دهد که در کتاب مقدس به جلال خدا معروف است. مانند خروج باب ۳۳ آیات ۱۹ تا ۲۳ اما ذات او همچنان نادیدنی باقی می ماند.

خدا غیر مادی است اما در کتاب مقدس درباره ی دست، گوش، دهان و صورت خدا سخن به میان آمده است. مثلا در اشعیا باب ۵۹ آیات ۱ تا ۲ به دست توانای خدا و گوش خدا اشاره می کند. از آنجایی که شناخت خدا برای ما بسیار سخت است، خدا از شباهتهایی برای توصیف خود استفاده می کند که برای انسانها آشنا تر و قابل درک باشد. در واقع خدا از زبان تمثیلی برای درک بهتر ما از ذات خودش استفاده می کند.

3. خدا واحد است

وقتی سخن از واحد بودن خدا گفته می شود در واقع به سه مفهوم اشاره می شود:

الف) واحد بودن خدا از نظر عددی ب) یکتا (بی همتا) بودن خدا ج) بسیط بودن خدا

الف) واحد بودن خدا از نظر عددی

وقتی که سخن از یگانگی خدا به میان می آید، به معنای وحدانیت خدا از نظر تعداد است. یعنی فقط یک ذات الهی وجود دارد و مابقی موجودات از او حیات می یابند.

اول پادشاهان باب ۸ آیه 60:

تا تمامی قومهای جهان بدانند که بیهوه خداست و دیگری نیست.

اول قرنتیان باب ۸ آیه 6:



اما ما را تنها یک خداست، یعنی پدر، که همه چیز از اوست و ما برای او هستیم؛ و تنها یک خداوند است، یعنی عیسی مسیح، که همه چیز به واسطه ی او پدید آمده و ما به واسطه ی او هستیم.

همانطور که می بینید هر دو آیه به وحدانیت خدا اشاره دارند.

ب) یکتا (بی همتا) بودن خدا

در تثنیه 4:6 آمده است که خدای ما یهوه واحد (یگانه) است. در زکریا 9:14 و خروج 11:15 چنان بر بی همتایی و یکتا بودن خدا تاکید شده است، که احتمال وجود هر خدای دیگری رد می شود. در واقع بر خلاف صحبت‌هایی که مسیحیت به سه خدا باور دارد، تمام مطالب نشانگر این است که مسیحیت به سه خدا باور ندارد، بلکه باور بر یک خدای واحد حقیقی است.

ج) بسیط بودن خدا

بسیط بودن خدا اشاره به یکپارچه بودن خدا دارد بدین معنا که خدا روح است و قابلیت تقسیم شدن ندارد. بر خلاف انسان که موجودی مرکب است، خدا قائم به ذات است. یعنی وجود او به چیزی بیرون از خود وابسته نیست و او از ازل وجود داشته است. قائم به ذات بودن خدا برتری هر موجود دیگری نسبت به او را رد می نماید و این امر فقط در مورد خدا صادق است. علاوه بر این صفات خدا هم با او یکپارچه است، یعنی جزء وجود او بوده و قابل تفکیک نمی باشد. برای مثال نمی توانیم بگوییم خدا دارای محبت است، بلکه باید بگوییم خدا محبت است. خدا مقدس نیست، بلکه قدوس است.

4. خدا ازلی و ابدی است

هر انسانی منشاء، مبداء و پایانی دارد اما آیا خدا هم مبدائی دارد؟ جواب این سؤال ساده است. خدا بوجود نیامده است. یعنی وجود او خارج از زمان و مکان بوده و از ازل و همیشه وجود داشته است. به همین خاطر مشخصه ی ازلی بودن را برای خدا بکار می بریم. خدا ازلی و ابدی است. یعنی او مثل



مخلوقات (انسانها و فرشتگان) محدود به زمان و مکان نیست. به همین خاطر می‌گوییم که خدا ازلی و ابدی است.

درک این موضوع برای ما انسانها که زمان مند و مکان مند هستیم دشوار است. اما زمانی که به قول پولس در دوم قرنتیان 1:5 این خانه زمینی ما ریخته شود و آن عمارت ناساخته به دستها را بپوشیم، منطق و ذهن جدیدی خواهیم یافت که بیشتر اسرار ازلی و ابدی بودن خدا را درک خواهیم کرد. و در یک جمله مفهوم ازلی و ابدی خدا را می‌توان گفت که:

"او هرگز آغازی نداشته و هرگز پایانی نخواهد داشت."

مزمور باب 102 آیه 27:

اما تو همان هستی، و سالهای تو را پایانی نیست!

مزمور باب 90 آیه 2:

پیش از آنکه کوهها زاده شوند، یا تو زمین و جهان را به وجود آوری، از ازل تا به ابد تو خدایی.

اشعیا باب 57 آیه 15:

زیرا آن که رفیع و بلند مرتبه است، آن که در ابدیت ساکن است و قدوس نامیده میشود، چنین میگوید: "من در مکان رفیع و مقدس ساکنم، و نیز با آن که روح توبه کار و افتاده دارد؛ تا روح افتادگان را احیا کنم، و دل توبه کاران را زنده سازم."

ایوب باب 36 آیه 26:

اینک خدا متعال است و ما او را نمیشناسیم؛ شمار سالهای او را کاوش نتوان کرد.

5. خدا تغییر ناپذیر است

انسانها همواره احتیاج به تغییر و اصلاح دارند، اما خدا چنین نیست. او کامل است و احتیاج ندارد که چیزی به صفات و خصوصیات او اضافه شود. خدا از تمامی جهات کامل است. اصول تغییر ناپذیری



خدا عبارتند از:

1. خدا نامحدود و قائم به ذات است و به هیچ چیز وابسته نیست. بنابراین از هر تاثیری بالاتر است و احتمال تغییر در او به هیچ وجه وجود ندارد.

2. برای خداوند نه پیشرفت وجود دارد و نه انحطاط, چرا که او کامل مطلق است.

3. قدرت خدا نمی تواند کم یا زیاد شود. او نمی تواند حکیم تر یا مقدس تر شود, چون در این صفات کامل است.

4. خدا نمی تواند رحیم تر, عادل تر و با محبت تر باشد, زیرا در این صفات کامل است.

از آنجایی که خدا تغییر ناپذیر است, می توانیم به او و کلامش (کتاب مقدس) اعتماد نموده و زندگی خود را به دستهای او بسپاریم.

اعداد باب 23 آیه 19:

خدا انسان نیست که دروغ گوید, و نه بنی آدم که از تصمیم خود منصرف شود. آیا او سخنی گفته که بدان عمل نکرده باشد؟ یا کلامی بر زبان آورده که به انجام نرسانده باشد؟

اول سموئیل باب 15 آیه 29:

به علاوه, جلال اسرائیل دروغ نمیگوید و از تصمیم خود منصرف نمیشود؛ زیرا او انسان نیست که از تصمیم خود منصرف شود.

مشخصات ذاتی خدا

برای شناخت بهتر خداوند نه تنها باید ماهیت خدا را در نظر گرفت, بلکه باید مشخصات و صفات او را

نیز مطالعه نمود. خصوصیات ذاتی اشاره به کیفیت هایی می کنند که با یک چیز یا شخص همراه بوده و

جزء لاینفک آن هستند. و به عبارت دیگر آن را توضیح می دهد و به ما می شناساند. مثلاً وقتی ما از

آتش صحبت می کنیم مشخصات ذاتی آتش سوزاندن و گرما بخشیدن و درخشیدن او است و این سه



اجزای لاینفک آتش هستند. در خصوص خدا هم همینطور است. مثلاً خدا قادر مطلق، حاضر مطلق، علم مطلق و حکمت مطلق است.

الف (قادر مطلق

خدا در باب اول کتاب پیدایش کل خلقت را در شش روز تمام کرد و روز هفتم استراحت کرد.

- اداره کردن عالم هستی به واسطه کلام قدرتمند خود

عبرانیان باب 1 آیه 3:

او فروغ جلال خدا و مظهر کامل ذات اوست، و همه چیز را با کلام نیرومند خود نگاه میدارد. او پس از پاک کردن گناهان، به دست راست مقام کبریا در عرش برین نشست.

- رهایی و نجات انسان

لوقا باب 1 آیه 35:

فرشته پاسخ داد: "روح القدس بر تو خواهد آمد و قدرت خدای متعال بر تو سایه خواهد افکند. از این رو، آن مولود مقدس و پسر خدا خوانده خواهد شد."

- انجام معجزات

لوقا باب 9 آیات 42 و 43:

در همان هنگام که پسر می‌آمد، دیو او را بر زمین زد و به تشنج افکند. اما عیسی بر آن روح پلید نهیب زد و پسر را شفا داد و به پدرش سپرد. مردم همگی از بزرگی خدا در حیرت افتادند.

ب) حاضر مطلق

یعنی خدا همه جا و در همه ی اوقات حاضر است. مزمور باب 139 آیات ۷ تا ۱۰ به زیبایی به این موضوع اشاره می‌کند. خدا در طوفانها در دعاهاى مومنین و در همه شرایط حضور دارد و درک این واقعیت برای ما یک دلگرمی و قوت قلب است که خدا در هر شرایط از زندگی ما حضور دارد. چون



او حاضر مطلق است.

نکته: حضور خدا به احساسات ما بستگی ندارد. ما احساس کنیم یا نکنیم خدا حضور دارد.

ایوب باب 9 آیه 11:

هان از کنارم میگذرد و او را نمی بینم؛ عبور میکند و احساسش نمیکنم.

خدا عبور میکند ولی ما احساسش نمی کنیم. مانند ایوب ندیدن دلیل بر نبودن نیست.

ج) علم مطلق

بین حضور مطلق خدا و علم مطلق او رابطه نزدیکی وجود دارد. انسانها برای پی بردن به واقعیت تلاش می کنند و با این وجود دانستنیهای آنها بسیار اندک است، اما برای خدا چنین نیست. او همه چیز را می داند. خدا آینده ی بشر را می داند. تمام پیشگوییها و نبوتهای کتاب مقدس نیز بر اساس علم مطلق خداست. خدا پیش دان است اما پیش نویس نیست. این حقیقت که خدا از همه چیز با خبر است به ما در سختیها قوت و اطمینان می بخشد که در هنگام طلبیدن هدایت خدا جواب را می داند و آماده است تا به کمک ما بیاید.

د) حکمت مطلق

حکمت خدا به معنای دانش و علم خدا نیست، بلکه یافتن با ارزشترین هدف و به انجام رساندن آن به بهترین شکل در زندگی ما است. حکمت خدا به این معنی است که او هر چیز را به بهترین صورت ممکن انجام می دهد. خدا کلامش را بر اساس حکمت کامل به ما بخشیده تا ما را هدایت کند. خدا حکمت خود را در هنگامی که به آن احتیاج داریم در اختیار ما می گذارد تا در زندگی سعادت مند و خوشبخت شویم.

ارمیا باب 10 آیه 12:



او زمین را به قوت خویش ساخت, و جهان را به حکمت خویش استوار کرد, و آسمانها را به فهم خویش گسترانید.

صفات اخلاقی خدا

در مطالب پیشین به ماهیت خدا و خصوصیات ذاتی خدا بطور خلاصه پرداختیم در این بخش به صفات اخلاقی خدا می پردازیم که این صفات در رابطه با انسانها آشکار می شود و عبارتند از:

قدوسیت خدا، عدالت خدا و محبت خدا

الف (قدوسیت خدا

بسیاری از انسانها در میان اطرافیان خود با خصوصیتی نظیر خوش اخلاق، تند خو و درستکار و نظایر آنها شناخته می شوند. خداوند در میان همه ملل به عنوان **قدوس** شناخته می شود.

حزقیال باب 39 آیه 7:

من نام قدوس خود را در میان قوم خویش اسرائیل خواهم شناسانید و دیگر نخواهم گذاشت نام قدوسم بی حرمت شود, و قومها خواهند دانست که من پیهوه هستم, قدوس در اسرائیل!

از آنجایی که خدا قدوس است, غیر ممکن است دچار اشتباه اخلاقی گردد. خدا قدوس است. یعنی در خدا شر اخلاقی وجود ندارد و هیچ کسی را وسوسه نمی کند و کاری نمی کند انسان گناه کند.

خروج باب 19 آیات 21 تا 25:

و خداوند به او گفت: "پایین برو و به قوم هشدار بده، مبادا برای دیدن خداوند نزدیک آمده از حد تجاوز نمایند و بسیاری از ایشان هلاک شوند. حتی کاهنان که به خداوند نزدیک می شوند باید خود را تقدیس کنند، مبادا به ناگاه بر ایشان هجوم آورد". موسی به خداوند گفت: "قوم نمی توانند از کوه سینا بالا بیایند، زیرا تو خود به ما هشدار داده، گفتی: "حدودی گرداگرد کوه قرار دهید و آن را مقدس شمارید". خداوند پاسخ داد: "پایین برو و هارون را با خود بالا بیاور. اما قوم و کاهنان نباید از حد تجاوز کنند تا نزد خداوند برآیند، مبادا بر ایشان هجوم آورد."



ب (عدالت خدا

عدالت خدا نتیجه ی قدوسیت او است, یعنی اگر با خدای قدوس و پاک روبرو شویم چون گناه کرده و ناپاک هستیم در عدالت خدا قرار گرفته و داوری می شویم. برای مطیعان پاداش و برای نامطیعان تنبیه قرار داده می شود. خدای قدوس گناه را نمی تواند بدون داوری بگذارد. در نتیجه وقتی خدا عدالتش را برقرار می کند همه انسانها محکوم می شوند, چون همه ی ما گناه کرده ایم.

رومیان باب 3 آیه 23:

زیرا همه گناه کرده اند و از جلال خدا کوتاه می آیند.

پس ما با خدایی روبرو هستیم که قدوس است و گناه را بی سزا نمی گذارد. او ما را داوری می کند که نتیجه آن دوری از خدا است و اینجا خدا راه حلی دیگر از صفات اخلاقی خود را برای ما نمایان می سازد که محبت است.

ج (محبت خدا

خدا عمیقا ما را دوست دارد و محبت خدا نه با حرف, بلکه در عمل در زندگی ما دیده می شود. ما نمی توانیم کاری کنیم که خدا ما را محبت کند. چون خدا محبت است, ما را دوست دارد و محبت جز لاینفک ذات او است. مهربانی, حکمت, نیکویی, وفاداری خدا قسمتی از محبت او را تشکیل می دهد.

داوود, اشعیا و ارمیا خدا را به عنوان پدر نام می برند.

مزمور باب 103 آیات 13 و 14:

چنانکه پدر بر فرزندان خود رؤوف است, همچنان خداوند بر ترسندگان خود رافت مینماید. زیرا جلیت ما را میداند و یاد میدارد که ما خاک هستیم.

اشعیا باب 63 آیه 16:

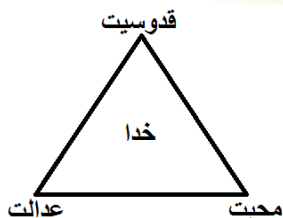


براستی که تو پدر مایی، اگرچه ابراهیم ما را نشناسد و اسرائیل ما را بجا نیاورد! تو ای یهوه، "پدر" مایی؛ "ولی ما" است نام تو از ازل.

ارمیا باب 31 آیات 7 تا 9:

خداوند چنین میفرماید: " به جهت یعقوب بانگ شادی سر دهید؛ برای سرآمد قومها فریاد برآورید؛ ندا در دهید و بستایید و بگویید: " ای خداوند، قوم خود را نجات ده، باقیماندگان اسرائیل را!" اینک آنان را از سرزمین شمال خواهم آورد، و از کرانه‌های زمین جمع خواهم کرد. همراهشان کوران و لنگان، آبستانان و زنان زائو خواهند بود؛ آری، جماعتی عظیم بدین مکان باز خواهند گشت. گریان خواهند آمد، و من آنان را درحالی که التماس میکنند، باز خواهم آورد. ایشان را نزد نهرهای آب رهبری خواهم کرد، از راه همواری که در آن تلغزند. زیرا من پدر اسرائیل هستم، و افرایم نخست زاده من است. محبت خدا ما را از عذاب و ترس رهایی می بخشد و ما میتوانیم به خدا اعتماد کنیم.

نکته: محبت، قدوسیت و عدالت خدا مانند یک مثلث متساوی الاضلاع است که تمامی اضلاع آن مثلث مساوی هستند. یعنی محبت خدا بر قدوسیت و عدالت خدا برتری ندارد و بالعکس.



"برکت خدا با تک تک شما عزیزان"

باشد که خدا از این طریق با قلبهای شما عزیزان صحبت کرده باشد. اگر سوال دارید یا می خواهید قلب خود را به مسیح بسپارید، و یا به نسخه های صوتی و تصویری این درس دسترسی داشته باشید، می توانید از طریق های زیر با ما در تماس باشید.



222churchvenlo



church222venlo

برای اطلاعات بیشتر، لطفاً از وب سایت ما دیدن فرمایید.



www.222churchvenlo.com

**222CHURCH
VENLO**